

دیدگاه

یادگاری روی دیوار امارات

امارات به تصریح وزیر خارجه کشورمان به‌صورت مستقیم و بدون هیچ تردیدی در اقدام تجاوزکارانه علیه ایران دخیل بوده‌است.

این کشور در دوران آتش‌بس نیز متهم شماره یک دور زدن ترتیبات ایرانی هرمز و به چالش کشیدن اثر تنگه است.

این‌ها علاوه بر اقدام‌های ضدانسانی امارات در مواجهه با ایرانیان مقیم است؛ اخراج هزاران نفر و مصادره اموالشان در کنار تعطیلی مدارس و بیمارستان‌های ایرانی و از همه مهم‌تر بازداشت صدها ایرانی بی‌گناه در روزهای ابتدای جنگ که کم‌ترین توضیحی درباره وضعیت آنان ارائه نشده‌است، حال‌ا در حالی که انتظار می‌رود رسیدگی به جرایم امارات در تجاوز به کشورمان و میزبانی از پایگاه‌های آمریکا و سروشوت ایرانیان مقیم این کشور روی میز باشد، چنین مراداتی بیشتر به عادی سازی روابط و پاک کردن سوءسابقه شباهت دارد.

با این حال و با وجود همه تنش‌ها نمی‌توان منکر ضرورت ارتباط مدیریت‌شده با کشورهای همسایه، حتی همسایگان ناباب بود و دیدارهایی از این دست می‌تواند به این هدف کمک کند.

ارتباط‌هایی که ممکن است به تحقق برخی اهداف تاکتیکی نیز کمک کند، همان طور که پیش‌تر گمانه‌هایی مبنی بر همکاری در دور زدن محاصره دریایی آمریکا به گوش می‌رسید، اما اینک اخباری از یمن به گوش می‌رسد که نشان می‌دهد هماهنگی‌ها با امارات حتی وارد لایه‌های امنیتی هم شده و این کشور عملاً به عرصه تحولات یمن بازگشته است، تا جایی که هم‌زمان با آغاز درگیری‌های انصارالله با مزدوران سعودی، هسته‌های شورای انقلابی جنوب یمن که پیش از این تحت نفوذ امارات بوده‌اند دوباره فعال شده و تحركاتشان را آغاز کرده‌اند. تحركاتی که جبهه جدیدی را علیه ائتلاف سعودی گشود تا پیشروی‌های ارتش و کمیته‌های مردمی یمن در مسیر باب‌المندب با موانع کمتری مواجه‌شود. شورای عالی سیاسی یمن نیز پس از تسلط نیروهایش بر ساحل غربی و باب‌المندب، پایان درگیری‌ها را اعلام کرد که به‌معنای توقف پیشروی به سمت جنوب یمن و مناطق تحت تسلط جنوبی‌هاست. همه این هماهنگی‌ها در سطح تاکتیکی کاملاً توجیه‌پذیر است، اما نمی‌توان انتظار داشت چنین رویکردی به اهداف راهبردی ضربه بزند و مناسبات واقعی را کمرنگ کند.

در زمینه جنگ و امنیت ملی، به‌ویژه در عرصه یک جنگ وجودی نباید دچار روزمرگی شد و اهداف کلان و بلندمدت را فدای دستاوردهای تاکتیکی کرد. امارات علاوه بر همکاری عمیق و بی‌حدوحصرش با آمریکا و اسرائیل که از مرز روابط عادی نیز عبور کرده، خود نیز به‌سرعت در حال تبدیل شدن به اسرائیل دوم منطقه است. رفتارهای غیرمستولانه امارات به خلیج فارس و کشور ما هم محدود نیست؛ شبکه بنادر و پایگاه‌هایش در جزایر و سواحل آفریقا و دخالت‌های نظامی‌اش در یمن، سومالی، سودان، لیبی و صحرای غربی امان کشورهای اسلامی را بریده و برخی را به رویارویی کشانده که تا زتریش قطع رابطه الجزایر و بیستن حریم هوایی‌اش روی این کشور است.

رژیمی که تلاش می‌کند به باز یگر نیابتی ساختار غربی در خلیج فارس و حتی جهان اسلام تبدیل شود، می‌تواند در یمن علیه ریاض بازی کند و به محور مقاومت نزدیک شود و همان شب در دهلی مانع تصریح به تجاوزگری آمریکا در بیابانه بر یکس شود تا صرفاً جنگ، بدون محکومیت متجاوز محکوم‌شود. مواضع ایوطلبی نشان می‌دهد همراهی‌اش در ترتیبات هرمز نیز در حد یک کریدور موقت و بدون رژیم حقوقی خواهد بود تا با عادی سازی و مرور زمان، به مسیر گذشته بازگردد. همه این‌ها یعنی در برج‌های سر به فلک کشیده امارات، دیواری پیدانی‌نشود که بشود روی آن یادگاری نوشت.

نکته

واقعیتی که حادثه سروان به ما آموخت

اهدای جاوید گزارش معاون روابط عمومی نیروی زمینی سپاه درباره ابعاد عملیات اخیر ضد گروه‌ک‌های تروریستی در سیستان و بلوچستان و بر جسته بودن کلیدواژه «مردم» در آن، بسیار مهم است. رسانه‌ها صبح شنبه از اقدام امنیتی علیه خانه تیمی در سروان و هلاکت پنج مزدور و کشف مقادیر زیادی سلاح و مواد انفجاری خبر دادند.

سرهنگ پاسدار شهرام عسکریان در گزارش خود با اشاره به نقش تعیین‌کننده شهروندان در شناسایی تیم تروریستی، پیوند ناگسستنی میان امت و نیروهای مسلح را ضامن آرامش کشور خواند.

اشاره ویژه مقام نظامی به نقش دیده‌بانی امنیتی اهالی بومی در ماجرای مذکور، در فضایی است که باید اذعان کرد پازل ثبات کشور، حاصل همکاری و هم‌افزایی دولت، نیروهای مسلح و مردم است. این مشارکت زنجیره‌وار، اکنون که دشمن ناکام در میدان نظامی، کانون تهدیدهای خود را بر فعال سازی هسته‌های تروریستی و آشوب طلب قرار داده، در مناطق با ترکیب قومیتی اهمیت بیشتری دارد.

با این تعریف، ریش‌سفیدان و مردم محلی رسالت بزرگی بر دوش دارند و اعلام انزجار و ایستادگی عملی آن‌ها مقابل عمه‌های استکبار و عناصر خود فروخته در دفع خطر بسیار تأثیرگذار است. گرای چندی پیش سر لشکر شهید محمد پاکپور، فرمانده وقت نیروی زمینی سپاه در یادواره شهدای حادثه ترور یستی راسک در موضوع آتش زدن خودروهای راهسازی در جنوب سیستان و بلوچستان توسط افراد خود فروخته، در این زمینه قابل توجه است، او این رخداد را در ستیاه قرار داده و این گونه حاضران را مورد خطاب قرار داد: «سرمایه فردی که برای ساخت جاده و آبادی منطقه آمده بود در آتش سوخت و صدای اعتراضی بلندنشـد. نباید چنین اجازه‌ای به عده‌ای قریب‌خوره بدهید. باید شما مردم بومی خط مقدم امنیت باشید». این انذار بزرگی برای تک‌تک ماست. مرزداران غیور ایرانی از هر قومیت و تباری در پاسداری از امنیت و خاک کشور کم نگذاشته و این واقعیتی است که دشمن را در مانده کرده و در جنگ نظامی به ناکامی بزرگ کشانده است. بااین حال در موقعیت حساس کنونی، مشارکت میدانی من‌وشما در شناسایی و دفع عوامل خطر یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. حادثه سروان و گزارش دهی و همراهی شهروندان بومی با نیروهای امنیتی مقابل تروریست‌ها، نشان داد مردم میدان‌داران واقعی بوده و در خط مقدم حراست از حریم امنیت کشور قرار داشته و این موضوعی است که همه ما به آن دلگرمیم.

توافق دوجانبه تهران و مسقط درباره تنگه هرمز در آستانه نهایی شدن است

تفاهم بر سر تنگه بدون آمریکا



مهدی خالدي | در آستانه ۲۰۰ روزگی جنگ و نزدیک به یک ماه پس از اغمای توافق اسلام آباد، جغرافیای منطقه امروز شاهد رویداد دیپلماتیکی است که بر آینده منازعه ایران و آمریکا اثرگذار است . میانگین قیمت گازوئیل در ایالات متحده با گذر از ۶ مرز دلار به رکوردی تاریخی رسیده ولی همزمان خالی فروشی ترامپ به افکار عمومی داخلی درباره تنگه هرمز ادامه دارد. رئیس جمهور آمریکا که مدعی است «آبراهه در کنترل است»، اما توسط سرهنگ علی محمدی، معاون سیاسی نیروی دریایی سپاه این گونه مورد خطاب قرار می‌گیرد؛ «اگر چنین است، بسم‌الله. یکی از ناوهای خود را به فاصله ۱۰۰ کیلومتری ایران نزدیک کنید».

بی‌تفاوت به فضا سازی رسانه‌ای موجود و خالی‌بندی مقامات کاخ سفید، تهران در حوزه سیاسی مشغول پیشبرد ترتیبات، معماری و ساختن نظم ایرانی در خلیج فارس است. این راهبرد منطقه‌ای از خلال سخنان دیروز رئیس جمهور قابل استناد

روز شمار جنگ | روز صد و نود و ششم

توافق دوجانبه تهران و مسقط درباره تنگه هرمز در آستانه نهایی شدن است

تفاهم بر سر تنگه بدون آمریکا



است، پزشکیان در گفت‌وگو با ایندیا تودی درباره محاسبات مد نظر جمهوری اسلامی گفت: «ما در رابطه با تنگه هرمز با عمان گفت‌وگو کردیم، در مورد یک چارچوب و مسیر مشخص به تفاهم رسیدیم، دوشنبه قرار است وزرای خارجه همان کشورهای عربی که می‌خواستیم با هم دعوا کنیم، در عمان حاضر شوند تا درباره این مسیر هرمز با یکدیگر تفاهم و آن را اعلام کنیم، در این چارچوب قوانین بین‌المللی مسیر باز خواهد بود، به شرط آنکه آمریکا دست از تهاجم و تجاوزهای ناجوانمردانه بردارد.»

■ معادله سازی سیاسی تهران

تهران و مسقط از اوایل شهریور درباره جزئیات مسیرهای جدید روید به خلیج فارس متناسب با فضایی جنگی و مطالبات مشروع ایران وارد شور و رایزنی شده و نتیجه نهایی آن امروز در عمان مشخص و اعلام می‌شود، از این رو همه چشم‌ها به این

حاکمیت ایران بر هرمز محسوب می‌شود. مهم‌تر اینکه آمد و شد تحت ترتیبات ایرانی خواهد بود و پس از اجرایی شدن آن، مسیر جنوبی که آمریکا اصرار به باز شدن آن حتی با گزینه نظامی داشت و عامل اصلی تنش جدید بود، بسته و بدون اثر خواهد شد و این برد بزرگی است.

از سویی در حالی که واشنگتن با خیال خام یکسره کردن کار جمهوری اسلامی، در حمایت از رژیم جنایتکار صهیونیستی وارد نزاع با ایران شد، نه تنها در این زمینه ناکام ماند بلکه برگزاری نشست مسقط عملاً دست برتر تهران در معادله سازی سیاسی و امنیتی را به اثبات می‌رساند. آن‌گونه که علی قلهکی، فعال رسانه‌ای می‌نویسد، طبق توافق جدید، «مسیر ورودی به تنگه هرمز ۱۰۰ درصد در اختیار ایران» (مسیر شمالی) و «مسیر خروجی نیز ۲۵ درصد در آب ایران» بوده و این مؤید اثرگذاری تهران در روندهای منطقه متناسب با منافع ملی‌اش است.

■ ایران؛ عمود خیمه امنیت جمعی منطقه

در فضایی که «مذاکره ایران با آمریکا» کاملاً متوقف شده و «توافق ایران و عمان بر سر تنگه» مسئله‌ای میان طرفین و کشورهای حوزه خلیج فارس تعبیر می‌شود، چنین اجتماعی را باید ابتکار ویژه تهران در مسیر امنیت جمعی آن هم فارغ از مداخلات همیشگی واشنگتن تلقی کرد. طبق گفته عراقچی جمهوری اسلامی معتقد است مسئولیت تأمین امنیت و ثبات صرفاً بر عهده طرف‌های منطقه‌ای بوده و ایران امیدوار است گفت‌وگوهای مسقط زمینه خوبی برای رایزنی‌های آتی درباره موضوعات مورد اهتمام فراهم کند. حمد بن جاسم، نخست وزیر پیشین قطر نیز درباره روند مسقط می‌گوید: «من همواره دعوت به گفت‌وگو کرده‌ام و همچنان می‌گویم کشورهای شورای همکاری باید به صورت جمعی و مستقیم با ایران گفت‌وگو کنند تا از بحرانی که در آن قرار گرفته‌ایم خارج شویم. نشست عمان می‌تواند آغاز قرار گرفتن روند حل و فصل مسائل در چارچوبی درست باشد». در نهایت حضور شیخ‌نشین‌ها در نشست عمان آن هم در محیط جنگی، یک پیامد دیگر دارد و آن تمکین اعراب در برابر اعتبار خود ساخته ایران است که می‌تواند در ادامه مسیر دوری آن‌ها از وابستگی امنیتی و نظامی به ایالات متحده را همواره کرده و تهران را یک گام دیگر به هدف همیشگی یعنی اخراج اشغالگران آمریکایی از منطقه نزدیک کند.

پس از تغییر موازنه در میدان، دوباره نبرد اصلی بر سر تبدیل فشار نظامی به دستاورد سیاسی آغاز شده است

آزمون راه حل سیاسی

آغاز گفت‌وگوهای گسترده‌تر باشد. ایران تأکید دارد امنیت منطقه باید توسط کشورهای منطقه مدیریت شود، اما فاصله میان فشار میدانی و توافق سیاسی همچنان زیاد است. ایران در حال طراحی مسیری است که چهره جدید نظم منطقه‌ای را بدون وابستگی به حضور آمریکا ترسیم کند.

■ اقتصاد جنگ؛ هزینه‌ها به سیاست داخلی منتقل می‌شوند

پیامدهای اقتصادی جنگ اکنون به یکی از عوامل تعیین‌کننده تبدیل شده است. افزایش نگرانی درباره امنیت انرژی، اختلال در صادرات و رشد هزینه حمل و نقل موجب شده فشار جنگ از میدان نظامی به اقتصاد جهانی منتقل شود. واکنش بازار نفت در روزهای اخیر نشان داده حتی احتمال کاهش تنش نیز می‌تواند قیمت‌ها را تغییر دهد. این مسئله برای آمریکا اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا افزایش قیمت سوخت و فشار اقتصادی می‌تواند به یک مسئله سیاسی داخلی تبدیل شود.

تحولات اخیر نشان می‌دهد جنگ وارد مرحله‌ای شده که در آن مدیریت پیامدها از کسب دستاورد اولیه مهم‌تر شده است. انصارالله پس از تغییر موازنه میدانی، اکنون به دنبال تثبیت دستاوردهاست. عربستان ناامید از پشتیبانی آمریکا در تلاش برای ایجاد یک ائتلاف مؤثرتر است. آمریکا میان حفظ فشار و جلوگیری از گسترش جنگ گرفتار شده و ایران تلاش می‌کند دستاوردهای میدانی را به یک چارچوب سیاسی تبدیل کند. پیروزی در میدان دیپلماسی هم به اندازه میدان نظامی دشوار و نیازمند وحدت و پشتیبانی ملی است.

بحران نیست. گزارش‌ها از تماس عربستان و پاکستان و گفت‌وگو درباره حمایت از ریاض در برابر حملات انصارالله، نشانه‌ای از تلاش برای فعال کردن شریکان امنیتی جدیداست.

اما این روند پرسش‌های مهمی ایجاد می‌کند. آیا شریکان منطقه‌ای حاضرند وارد یک درگیری مستقیم شوند؟ آیا پیمان‌های امنیتی جدیدی می‌توانند جایگزین توان عملیاتی آمریکا شوند؟ و آیا کشورهای منطقه حاضرند هزینه یک جنگ طولانی‌تر در یمن را بپذیرند؟ پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند مسیر مرحله بعدی جنگ را مشخص کند.

■ واشنگتن؛ مشکل پایان دادن به جنگ، نه آغاز آن

آمریکا همچنان از نظر نظامی توان وارد کردن ضربه را دارد، اما مشکل اصلی واشنگتن کنترل پیامدهای آن است. تحلیل‌های اخیر نشان می‌دهد دولت ترامپ میان دو هدف متضاد گرفتار شده است؛ از طرفی حفظ فشار بر ایران و از سوی دیگر جلوگیری از تبدیل بحران به جنگی گسترده‌تر که هزینه آن به سیاست داخلی آمریکا منتقل شود. در چنین شرایطی، درخواست عربستان برای ورود مستقیم آمریکا به مقابله با انصارالله با احتیاط واشنگتن مواجه شده است؛ زیرا باز کردن جبهه جدید در یمن می‌تواند همان چرخه فرسایشی را ایجاد کند که آمریکا سال‌ها تلاش کرده از آن فاصله بگیرد. مسئله آمریکا دیگر فقط توان نظامی نیست؛ مسئله تعیین نقطه پایان یک بحران چندجبهه‌ای است.

■ دیپلماسی؛ آزمون واقعی اهرم‌ها

هم‌زمان با ادامه فشار نظامی، مسیر دیپلماتیک نیز فعال شده است. نشست کشورهای منطقه درباره امنیت کشتیرانی در عمان می‌تواند

هدف این توافق و یا به زبان ساده‌تر مخاطب این همکاری جمعی دفاعی و امنیتی کیست؟ با وجود آنکه امضاکنندگان پیمان از همان ابتدا تأکید کردند این توافق فقط دفاعی بوده و علیه هیچ کشوری نیست، برخی به شدت علاقه‌مند بودند که از آن به عنوان اتحادی علیه جمهوری اسلامی و یا اقدامی در راستای مهار ایران و جبهه مقاومت یاد کنند. در این میان حتی برخی پا را فراتر گذاشته و در مورد تقابل مذهبی میان شیعه و سنی در بستر این توافق سخن پراکنی کردند. در این شرایط تحولات یمن موجب شده این تبلیغات خیلی زودتر از آنچه تصور می‌شد با شکست و ناکامی مواجه شوند. نه پاکستان و نه ترکیه نخواستند در جنگ با انصارالله به عنوان متحد نزدیک ایران، مشارکت رسمی و آشکار داشته باشند. فراتر از این، اعضای پیمان همچون پاکستان و ترکیه حتی حاضر نشدند از ایران در این تحولات نامی به میان آورند.

ب. تقویت احتمال مشارکت دیگر کشورهای منطقه و به‌خصوص ایران در توافق مکه؛ نوع واکنش کشورهایی مانند ترکیه و پاکستان به تحولات یمن از یک سو و شکست راهبردی عربستان در این کشور که با ناامیدی هر چه بیشتر از اتکا به امنیت آمریکایی محور در منطقه توأم شده است، این گمانه‌زنی را تقویت می‌کند که زمینه همراهی دیگر کشورهای منطقه، از جمله ایران، با پیمان مکه و ایجاد یک ترتیبات امنیتی درون منطقه‌ای بیش از پیش مهیا شده است. با این حال درک متفاوت هر یک از کشورهای از مشارکت در یک ساختار مشترک امنیتی جمعی می‌تواند چالش اصلی این گسترش تلقی شود؛ کما اینکه در حال حاضر سه کشور شکل‌دهنده توافق مکه نیز هر یک اهداف و درک متفاوتی از این مشارکت دارند. عربستان به دنبال تقویت مواضع خود در منطقه و به‌خصوص در جنگ یمن و همچنین پیدا کردن ساختاری جایگزین برای چتر امنیتی منسوخ شده آمریکایی است، ترکیه به گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی



یادداشت

میراحمد رضا مشرف

جنگ یمن و روشن شدن ماهیت پیمان مکه

جنگ در یمن در شرایطی با موفقیت‌های چشمگیر و متداوم انصارالله پیگیری می‌شود که این بار در کنار جنگ موضوع دیگری نیز به شدت مورد توجه قرار گرفته است؛ توافق مکه و چگونگی مواجهه آن با تحولات یمن. در واقع با توجه به تبلیغات انجام گرفته بر سر امضای این پیمان و به‌کارگیری تعبیری دهان پرکن همچون شکل‌گیری «ناو اسلامی»، شاید انتظار این بود که پرونده یمن بتواند نخستین اقدام مشترک و یا حداقل بیانیه‌ای مشترک را در چارچوب این پیمان رقم بزند. علاوه بر این برخی از جمله آمریکایی‌ها و بدخواهان جمهوری اسلامی انتظار داشتند این رخداد خیلی سریع ایران و اعضای پیمان مکه را به تقابل سیاسی و حتی نظامی در برابر یکدیگر بکشاند. اما با گذشت چند هفته و با وجود شدت گرفتن درگیری‌ها و شکست‌های ناباورانه نیروهای تحت حمایت عربستان در یمن، سکوت و انفعال این پیمان در قبال تحولات اخیر را شاید بتوان به چند مسئله بنیادین در حوزه ماهیت این توافق مرتبط دانست؛

الف. این توافق نمی‌تواند ماهیتی ضدایرانی داشته باشد؛ هنگام امضای توافق مکه و حتی پیش‌تر از آن، توافق دوجانبه دفاع مشترک اسلام‌آباد و ریاض (سپتامبر ۲۰۲۵)، یکی از پرسش‌های عمده این بود که جامعه

در خاورمیانه و مهار رژیم صهیونیستی چشم دوخته است و پاکستان به تقویت مواضع نظامی در برابر هند و در کنار آن منافع اقتصادی این توافق نظر دارد. بنابراین با توجه به تکیه بر منافع فردی و اختلاف دیدگاه‌ها، دور از ذهن نخواهد بود که این ائتلاف حتی پیش از گسترش احتمالی، به سروشوت ائتلاف‌های ناکام و کم‌دوام منطقه‌ای مانند ۲۰۴۶ (در زمان جنگ اول خلیج فارس) یا ائتلاف به رهبری عربستان در جنگ با یمن (۲۰۱۵) دچار شود.

ج. ماهیت اقدام‌های عربستان در یمن را نمی‌توان دفاعی تلقی کرد؛ واکنش پاکستان به احتمال فعال شدن بند مرتبط با امنیت جمعی توافق مکه در قبال جنگ یمن نیز به نوبه خود درخور توجه و تأمل است. در این چارچوب مقامات پاکستانی تأکید دارند این توافق دفاعی بوده و شامل عملیات هر یک از اعضا در کشور دیگر نمی‌شود. این موضع اسلام‌آباد می‌تواند به خوبی ماهیت مداخلات عربستان در یمن را آشکار کند.

د. ابهام در شیوه اجرایی دفاع مشترک؛ از همان ابتدای شکل‌گیری توافق مکه در مورد شیوه اجرایی دفاع مشترک جمعی ابهام‌هایی وجود داشت. هاگان فیدان به صراحت اعلام کرد بند دفاع جمعی می‌تواند بسته به شرایط به اشکال مختلفی همچون همکاری اطلاعاتی، پشتیبانی لجستیکی، کمک‌فنی و یا نظامی اجرا شود. این همان نکته‌ای بود که از سوی پاکستان هم در شرایط تشدید بحران به مطرح شد و احتمالاً به روانی که حتی پیش از توافق مکه برقرار بود، در حال اجراسـت. به نظر می‌رسد هر سه کشور در حفظ این ابهام عملیاتی منافعـی دارند (برای عربستان در صورت بروز جنگ میان پاکستان و هند). در ارتباط با مورد یمن این ابهام به‌ویژه به پاکستان و حتی ترکیه کمک خواهد کرد با پرهیز از ورود به درگیری مستقیم، فضای بخشی از افکار عمومی را که با ایران و فلسطین احساس همدلی دارند، کنترل کنند.